

خیاط در کوزه!

سرانجام کار رضا زواره ای عضو برجسته ی هیات متلفه و شورای نگهبان!

ظلم ماریست هر که پروردش

ازدهایی شد و فرو بردش

مکتبی

رضا زواره ای روز جمعه ۴ شهریور (گویا) بر اثر سکت قلبی درگذشت. او از اعضای سرشناس هیات متلفه بود که پس از انقلاب به آن پیوسته بود و از دوستان نزدیک حسن آیت و مظفر بقایی بشمار می رفت. آموزگاری که پس از انقلاب دادستان انقلاب تهران شد و بعدها ستاد امنیت وزارت کشور را تشکیل داد و خود ریاست آن را به عهده گرفت و در همین مقام بود که به افشاگری ابوالفضل قاسمی از ملیون پرداخت و موجب زندانی شدن وی گردید. وی دو دوره، یعنی هشت سال عضو شورای نگهبان بود. وی مدتی سازمان ثبت اسناد کشور را تصدی کرد و در همین مقام متهم به سوء استفاده مالی شد. با همین دستاویز بتدریج از شورای نگهبان * و سپس از کاندیداتوری ریاست جمهوری کنار گذاشته شد.

او در اولین روزهای انقلاب با چند نفر دیگر از جمله اشراقی، احمد خمینی، مهدی عراقی، صادق خلخالی از نزدیک ترین افراد به خمینی محسوب می شد که در مورد اعدام مخالفان طرف مشورت قرار می گرفت. هویدا قبل از مرگ از وی خواست چون لیسانس حقوق دارد وکالت وی را به عهده بگیرد که او نپذیرفت. زواره ای از هویدا پرسیده بود که چقدر حاضر است برای این وکالت بپردازد او گفته بود که به جز یک آپارتمان کوچک چیزی ندارد. وکالت رایگان برای مردی که از قدرت فرو افتاده و مورد نفرت مردم بود برای او جاذبه ای نداشت. او در همان زمان به چشم خود دیده بود که خلخالی با دریافت 50 میلیون تومان ارتشبد توفانیان را فراری داد و یا رشوه های کلان برای مواد مخدر دریافت می کند، چرا او در پی جاه و مال نباشد؟

گرچه او به جایگاه حقوقدانان شورا ی نگهبان صعود کرد اما هیچگاه به صحنه واقعی سیاسی راه داده نشد و او همچنان به نقش سرویس دهی در پشت پرده اکتفا کرد، هیات متلفه خواستار حضور پر رنگ وی در سیاست نبود. وی در سال های اخیر از هیات متلفه به سبب اختلاف جدی با جنتی کناره گیری کرده و خواستار تشکیل حزب جدیدی بود. پس از رد شدن صلاحیتش بسیار با احتیاط صحبت می کرد و حتا مساله حزب سازی خود را نیز سد درسد تایید نمی نمود. زواره ای سه بار هنگامی که نماینده مجلس بود در مجلس از دولت پرسید که چرا پرونده دو انفجار (انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی و ساختمان نخست وزیری که در طی آن ده ها نفر از جمله بهشتی، رجایی و باهنر و بسیاری دیگر کشته شدند) برای رسیدگی به دادستانی انقلاب فرستاده نشده و چرا این پرونده ها در دادگستری بایگانی گردیده است؟ اما این پرسش ها پاسخی نیافتند.

و عده انتخاباتی او مبنی اینکه او به زن ها میدان خواهد داد در بین زنان هیات موتلفه جنجال برآه انداخت تا آنجا که عسکر اولادی ناچار شد به زنان هیات موتلفه توصیه کند که بدنبال فمینیسم و این مسایل نروند، به نظر می رسد او دیگر نغمه ای ناساز در داخل هیات موتلفه بشمار می رفت که غیر قابل تحمل گشته بود. البته آشکار است که این مواضع نه به سبب عدالت خواهی او بلکه بیشتر برای یار گیری در هیات موتلفه و برای موفقیت در انتخابات کار ساز بود.

باز هم این زواره ای بود که در هنگام انتخابات پیش بینی کرد که اتفاق هیات موتلفه و متحدانش از هم خواهد پاشید. هیات موتلفه نمی توانست انشعاب او را که با آگاهی به اسرار مگو می خواست دکانی در مقابل دکان هیات موتلفه باز کند تحمل نماید. بیهوده نبود که شبکه اول تلویزیون ایران حتما حاضر نشد در برنامه ویژه انتخابات برتر که به پخش کاندیداهای نهمین دوره اختصاص داشت کاندیداتوری او را مطرح کند و زواره ای را حذف نمود. او در نظر داشت کسانی که او را در انتخابات تخریب کرده اند در کتابی که در دست نوشتن داشت معرفی کند، و عده ای که نگذاشتند به آن وفا کند، این معرفی می توانست پی آمدها و افشاگری های بیشتری داشته باشد. بنا به گزارش خبرگزاری فارس در مراسم سومین روز درگذشت وی خبرنگاری از جنتی پرسید که چرا زواره ای در دوره های قبل ریاست جمهوری رد نشده بود و این بار رد شد؟ جنتی پاسخ داد که اینجا جای پاسخ دادن به این سوال نیست!؟ و بالاخره معلوم نشد جای این پاسخ کجاست؟

کسی که صلاحیتش در انتخابات ریاست جمهوری دوبار تایید شده و عضو شورای نگهبان و مجلس نیز بوده چرا باید صلاحیتش رد شود؟ آیا این بیانگر تناقض در عملکرد شورای نگهبان نیست؟

زواره ای در نامه خود تاکید می کند که علاوه بر عضو حقوقدان شورای نگهبان قادم مقام دبیر شورای نگهبان تا سال 83 بوده، اگر عدم احراز صلاحیت وی بعد از سال 76 صورت گرفته باشد نیابستی دستکم در سال 82 برای سالی دیگر به عنوان قائم مقام انتخاب می شد.

خامنه ای با وجود تایید معین و مهر علیزاده حاضر به تایید زواره ای که در دوره ای رقیب ریاست جمهوری او نیز بود نشد و نشان داد که دستگاه تصفیه استالینی اسلامی در طرد او تا چه حد مصمم است. مقام ولایت فقیه به مناسبت مرگ زواره ای پس از 24 ساعت تاخیر پیام بسیار خلاصه و فشرده ای بیرون داد که روشن بود زورکی و از سر ناچاری بوده و بهیچوجه در خور کسی که همواره در راس مهم ترین پست ها و حساس ترین مقام ها قرار داشت نبود.

در نامه ای که زواره ای به شورای نگهبان نوشته در مورد رد صلاحیت خود اشاره ظریفی دارد به پیش بینی محمد رضا ترقی از دوستان سابق هیات موتلفه که پیشاپیش از رد صلاحیت وی خبر داده بود: « البته از سه چهار ماه قبل بعضی از مدعیان اصولگرایی از جمله آقای ترقی، عضو شورای مرکزی موتلفه در مجلس میهمانی یکی از زائران حج، پیش بینی رد صلاحیت مرا کرده بود. آن زمان تصور می شد که می خواهند علاقمندان و طرفداران مرا دچار تردید کنند.»

اما امروز آشکار شده است که زواره ای خوش خیال بوده و به احتمال بسیار یاران دیروز که امروز دشمن محسوب می شوند از همان زمان کمر به دفع او که حامل مخفی ترین اطلاعات در مورد حکومت اسلامی بود بسته بودند. کیست که افشاگری های شهرام جزایری و غیره را بیاد نداشته باشد که اکثریت دست اندرکاران در رشوه گرفتن از او دست داشتند و کاندیدا هم شدند (از جمله کروبی) و آب از آب هم تکان نخورده (هرچه باشد زواره ای از هیات موتلفه بود و حق اب و گل بیشتری داشت تا کروبی اما چگونه است که وی تایید شد ولی زواره ای نه؟!)، حکومت

اسلامی که متشکل از افراد منزله و پاکی نیست و تجربه نشان داده که سوء استفاده مالی نمی تواند موجب چنین بی مهری شده باشد، چون فساد، امری شایع در دستگاه حاکم است و باید مسایل مهمتری که حیات و زندگی حکومت و حاکمان را به خطر بیندازد در میان بوده باشد.

زواره ای هرگز به خاطر اتهامات خود محاکمه نشد، گویا در خلافت اسلامی نظر خلیفه خامنه ای کافی است. گرچه او تاکید می کند که «بارها (از آیت الله یزدی) تقاضا کردم به خاطر مصالح ملت و انقلاب گزارشات را به دونفر قاضی با شرف بدهد، رسیدگی کنند تا ماهیت اداره کنندگان بازرسی برایش روشن شود.» زواره ای با تاکید بر با شرف بودن قاضی این شبهه را ایجاد می نماید که خدای ناکرده قاضی بی شرف هم در دستگاه حکومت اسلامی پیدا می شود ولی اگر چنین قاضی هایی وجود داشته باشند وظیفه ایشان به عنوان عضو حقوقدان شورای نگهبان معرفی آنها بوده است.

زواره ای در خواست کرده بود که یک کپی از گزارش های وزارت اطلاعات را که به او اتهام زده است به او بدهند ولی اینکار نیز انجام نمی پذیرد.

زواره ای به ستوه می آید و در آخرین نامه اش می نویسد:

«پناه بر خدا کجا گیر کرده ایم! سرتاپای مطلب دروغ و تنظیم کننده گزارش باید از جهانی نمونه ... باشد»
صبح بخیر آقای زواره ای!

این جهان نمونه همان جهانی است که شما و دوستانتان به عنوان عدل علی ساختید، آن روزی که به سرکردگی شما (به گفته نعمت احمدی وکیل دادگستری) او باش حزب الله به دادگستری ریختند و کتابخانه و پرونده ها را درهم ریختند و لطماتی زدند و قاضی های باوجدان و باشرف را کنار گذاشتند و یک سری دستار بند را به عنوان قاضی بر مسند نشانند این جهان نمونه را ساخته شد.

زواره ای در نامه خود از خدمات خود در خصوص اراضی مرکز اسناد انقلاب اسلامی در کلاردشت می گوید و اینکه حسینیان می خواسته می خواسته با هدیه یک قطعه زمین از زحمات ایشان تشکر کند و هم اینکه بدین وسیله با ویلای ایشان همسایه می شوند. گویا در این کار اصرار هم می شود که به نحوی که زواره ای پاسخ می دهد که اصرار بر این امر خبر از یک دام می دهد. نخست باید بدانیم که زواره ای از چه ناراحت است. یک مقام دولتی رسماً می خواهد از زحمات ایشان تشکر کند و این هدیه حتماً بدون اطلاع مقامات بالا نیست و رشوه هم محسوب نمی شود، خوان یغمایی است گسترده و از این خوان بسیاری برخوردار بوده اند. همسایگی حضرت حجت اسلام حسینینی که چنین قدرشناس بوده است و درخواست زمین برای ایشان کرده باید باعث خوشوقتی باشد و همسایگی ایشان سباب نیکبختی! اما وقتی بیاد بیاوریم که این حسینیان همان حضرت حجت اسلام و دستاربندی است که در مورد قتل سعید امامی که مرگ او را بعثت خوردن واجبی اعلام کرده بودند انرا غیر واقعی خوانده و گفته بود ما خودمان زمانی آدمکش بودیم! و این مراحل را گذرانیم؟! آنوقت باید به آقای رضا زواره ای حق بدهیم که از این همسایگی مو به تنش راست شده باشد! نوشتن این مطلب در نامه در حقیقت گلایه ای از دوستان دیروز است که چرا قصد جان مرا کرده اید؟

سپس می افزاید: «حداقل مطالعه را روی سرنوشت امیر کبیر، نهضت مشروطیت و سرنوشت انقلابیون پاکدامن و مخلص مشروطیت و ازنگری سیاست بازان، تنهایی مدرس و جریان نهضت نفت داشتیم.»
آقای زواره ای! اینجا را دیگر کم لطفی و بی مهری مبذول فرموده اند.

انقلاب مشروطیت را کودتای 1299 انگلیسی رضاخان قزاق و اصلاحات امیرکبیر و نهضت ملی کردن نفت به رهبری دکتر مصدق را کودتای انگلیسی - آمریکایی 32 با یاری دستیاران همین هیات متلفه با نام آن روز فداییان اسلام و ملایان مرتجع همچون بهبهانی ها ، کاشانی ها و معلمان شما همچون بقایی ها ناکام کردند و شما هم همان راه رفتید، امیدوارم در آن جهان با آسودگی و فراغت و دور از سایه خوفناک وزارت اطلاعات اسلامی به این بی انصافی خود قلم بکشید. این قابل فهم است که در این دنیا با وجود نام بردن از امیرکبیر از بردن نام دکتر مصدق می هراسیدید که مبادا اوضاع را بیشتر از این آشفته کند اما خواهشمند است خود را در صف هواخواهان انقلاب مشروطیت و نهضت ملی جا نزنید.

زواره ای که همه درها را به روی خود بسته می بیند برای جنتی می نالد که :

«البته احساس می کنم ضعف هایی در کار است . پس از پیروزی انقلاب تا کنون هرکجا مسئولیتی داشتم تصور می کردم وظیفه ی اجرای قانون و جلب رضایت مردم ، تشویق افراد خدوم و برخورد با افراد ناصالح است و هرگز به قدرت صاحبان زر و رور و حامیان آن نیندیشیدم .

سال هاست که پی بردم که صداقت و لیاقت ضد ارزش است، اما نتوانستم در رفتار خود تغییری پدید آورم و توان هماهنگی با شرایط روز را در خود نیافتم.»

افسردگی و نومیدی زواره ای قابل درک است اما نمی دانیم منظور او از «قانون» «مردم» «افراد ناصالح» و همچنین «صداقت» و «لیاقت» چیست؟ قانون همان قانون ولایت فقیه است که حسن آیت رفیق شفیق شما به حسینعلی منتظری پیشنهاد کرد و اجرا گردید. افراد ناصالح همان صاحبان زر و زور هستند که بر سرکار هستند و شما به آنها کمک می کردید. مردم و ملت هم جایگاهی در این «قانون» ندارند بلکه امت و عوام الناس نامیده می شوند. نمی دانیم گلایه آقای زواره ای از چیست ؟

زواره ای فردی تحصیلکرده و لیسانسیه حقوق بود و نسبت به سایر بازاری ها که اهرم های قدرت را قبضه کردند لیاقت بیشتر داشت. صداقت او در پرونده سازی و تصفیه بی رحمانه مخالفان نیز مورد تردید نیست اما هیچ یک از اینها دلیل نمی شود که رقیبان در جنگ قدرت خود را محق تر از او ندانند. افرادی مانند زواره ای ها و ولایتی ها با همکاری و پادویی برای هیات متلفه در عقب نگهداشتن جامعه و فرار متخصصان ، روشنفکران و برگزیدگان جامعه نقش داشته اند ، آیا به فکر زواره ای خطور کرد که با لیاقت تر از او در کشور ما فراوانند و روش خود او و همپالکی اشان موجب فرار مغزها از کشور شده است ؟ زواره ای مشاور اعدام و نابودی مخالفان ، حقوقدان شورای نگهبان ، نماینده مجلس و رئیس ستاد امنیتی و ... پس از سال ها خوشخدمتی چون توان هماهنگی نداشت حتما نتوانست از مواهب بازنشستگی برخوردار شود چون دوستان و همکاسه های دیروز تصمیم قاطع گرفته بودند که تن فتنه انگیز در گور به!

چرا زواره ای هنگامی که پرسش های خود را در مورد ترورهای ساختمان جمهوری اسلامی و ساختمان نخست وزیر سه بار در مجلس شورای اسلامی مطرح کرد و پاسخ نشنید در نیت و صداقت حاکمان که نسبت به جان یاران صدیق حکومت اسلامی به این اندازه بی اعتنا بودند تردید نکرد؟ چرا زواره ای از خود نپرسید که چه انگیزه ای آنها را وادار به خاموشی کرده است که حذف فیزیکی بهترین یارانشان را نادیده بگیرند و در سایه این دو تروریه اعدام و زندانی کردن بهترین فرزندان کشور دست بیازند؟ باید زواره ی پیش بینی می کرد که اگر دوستان به کشتن بهشتی و باهنر و ... دست می زنند خون او رنگین تر از آنها خواهد بود.

زواره ای از درد بخود می پیچد : « بارالها این همه ظلم و بیداد را میسند!» از یاد می برد که این ظلم را خود بنیاد کردند.

حتا اگر زواره ای به مرگ طبیعی هم نمرده باشد رفتار شورای نگهبان و هیات متلفه با وی غیرقابل توجیه است و اگر به موارد بالا بنگریم مرگ زواره ای خواه ناخواه مبهم و رمز آلود جلوه می کند و به این شبهه دامن می زند که باید زواره ای به قتل رسیده باشد. آخرین خبری که توسط خبرگزاری ایسنا مخابره شد این ابهام را بیشتر می کند. به موجب این خبر یکی از بستگان نزدیک سیدرضا زواره ای گفته که درباره علت فوت وی ابهاماتی دارند و سوالاتی برایشان مطرح است. (خبرگزاری نام این شخص را ذکر نمی کند!) او اظهار داشته که پس از انتقال مرحوم زواره ای به بیمارستان 15 خرداد ورامین، پاسخ بیمارستان نیز درباره علت مرگ، ابهامات ما را افزایش داد. می دانیم که اکنون زواره ای با اسرار منحصر بفرد خود زیر خروارها خاک خفته و اینکه گفته می شود خانواده اش با کالبد شکافی موافقت نکردند روشن نیست ، چون بنا به همین گزارش، دستکم یکی از بستگانش خواستار روشن شدن ابهامات در مورد مرگ زواره ای بوده است ولی چرا دیگر اعضای خانواده مخالفت کرده اند، نمی دانیم ، اولین چیزی که به ذهن هرکسی خطور می کند تسلیم در برابر تهدید است ، بلایی که هیچکس از آن در امان نیست از شهروند ایرانی گرفته تا نماینده مجلس و حتا افرادی مانند زواره ای بهترین خدمت ها را به حاکمیت کرده اند . به این فهرست خانواده بنیان گزار جمهوری اسلامی یعنی خمینی را هم اضافه کنید.

سوم سپتامبر 2005- 12 شهریور 1384 استکهلم

کیهان 28 خرداد 1383 نوشت : « رئیس قوه قضائیه حقوقدان های پیشنهادی خود را جهت عضویت در شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد .

آیت الله هاشمی شاهرودی در نامه ای خطاب به دکتر حداد عادل رئیس مجلس، آقایان غلامحسین الهام، عباس کعبی، محمدرضا علیزاده و رضا کریمی راد را برای عضویت در شورای نگهبان معرفی کرده است .

به گزارش خبرگزاری فارس در صورت رأی اعتماد نمایندگان، 3 نفر از افراد معرفی شده به عنوان حقوقدان شورای نگهبان در دور جدید به مدت 3 سال به فعالیت مشغول خواهند شد .

بنابراین گزارش دوره فعالیت رضا زواره ای و محمدرضا علیزاده دو حقوقدان فعلی شورای نگهبان 25 تیر ماه به پایان خواهد رسید . همچنین محمدرضا عباسی فر دیگر حقوقدان شورای نگهبان نیز سال گذشته برای شرکت در انتخابات مجلس از عضویت در این شورا استعفا داد .»

